

ولایت فقیه

استاد علامه محمدتقی مصباح یزدی

رهبری

برگرفته از کتاب پرسش‌ها و پاسخ‌ها

بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید مطهری، باهنر، رجائی، شهدای محراب و... که هر یک سرمایه‌های بی نظیری برای نظام و اسلام به شمار می‌آمدند.

افزون بر این، دخالت دشمن در ایجاد فضای آلوده فرهنگی برای نسل جوان و... در نابسامانیهای فرهنگی تأثیری عمیق گذاشت. با این همه، نظام اسلامی، موجب سرفرازی و عزتمندی کشور ایران در سراسر جهان و سربلندی امت مسلمان در برابر طاغوت‌ها و مستکبران دنیا گشته، مسلمانان را به وحدت و حرکت واداشته است. جنبش‌های اسلامی در یوسنی، چین، الجزایر، لبنان، مصر، تونس، سودان و حتی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا الگو گرفته از نهضت دینی و الهی ملت ایران است، که از برکات روی آوردن به دین و ولایت الله محسوب می‌شود.

هیچ کس ادعا نکرده است که مجموعه قوانین اسلامی پس از انقلاب در کشور اجرا شده است، بلکه - به تصریح رهبر انقلاب - تا تحقق آنچه دین برای جامعه ترسیم می‌کند، راهی طولانی پیش رو داریم. این مشکلات و نارساییها مشروعیت نظام را زیر سؤال نمی‌برد.

با توجه به معصوم نبودن ولی فقیه چرا به قداست وی معتقدید؟

قداست به معنای محبوبیت همراه با احترام شدید است. انسان به علت کمال خاصی که در شخصیتی سراغ دارد، به او محبت ورزیده و به وی احترام خاصی می‌گذارد. انسان‌ها همه کمالات را بطور یکسان دارا نیستند، از این رو انسانی که دارای کمالات فوق العاده و برتری است از محبوبیت و احترام بیشتری برخوردار است. قداست مانند محبت از یک مورد شخصی محبوب به دیگر امور منتسب به او نیز - به طور طبیعی - منتقل می‌شود، به گونه‌ای که وقتی شخصی را دوست می‌داریم، نزدیکان و وابستگان‌اش را نیز دوست خواهیم داشت؛ مثلاً وقتی به استاد خود عشق می‌روزیم، فرزندان و حتی وسایل شخصی او را نیز دوست می‌داریم. به همین دلیل است که مردم ما به خاندان امام، خانه، حسینیه و حرم ایشان علاقه شدیدی نشان می‌دهند و به آنها عشق می‌ورزند.

قداست و روح دین

روح دین را همین قداست تشکیل می‌دهد، به طوری که تمام ادیان الهی بر احترام گذاردن خاص به خداوند و هر چه و هر کس که به او منسوب است تأکید می‌ورزند، حتی مذاهب انحرافی نیز برای بت و خدایان قداست قائلند. روایات ما بر این مطلب تأکید دارد که «اهل الايمان الا الحب» آیا ایمان جز محبت و دوستی امر دیگر است؟^(۴)

اگر نظام ولایت فقیه بهترین نظام است، چرا برخی از مشکلات جامعه حل نشده، و جامعه پیشرفته‌ای نداریم؟

این سؤال درباره حکومت امیرالمؤمنین (ع) نیز مطرح می‌شود. مطابق معتقدات دینی، امیرالمؤمنین علی (ع) معصوم است و از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی^(۱) و هم‌طراز پیامبر اکرم (ص)^(۲) معرفی شده است. بنابراین در حقانیت و مشروعیت حکومت علی (ع) هیچ تردید و شبهه‌ای میان فرقه‌های مختلف اسلامی وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان توسط پیامبر اکرم (ص) موجب اکمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین محسوب شده است.^(۳) با این همه نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان، اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران و میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد جامعه‌ای ایدال نشان می‌دهند.

جنگ‌های داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت شده، کثرت مشکلات، گستردگی بدعت‌ها و سنت‌های فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی زمینه‌های این وضع را فراهم آورده بود. در همان حال علی (ع) شایسته‌ترین فرد برای حکومت و زمامداری جامعه اسلامی در اوضاع آن روز بود و این نابسامانی‌ها هیچ گاه تردیدی در اصل مشروعیت ولایت آن حضرت ایجاد نمی‌کند.

اشاره‌ای به برخی مشکلات نظام

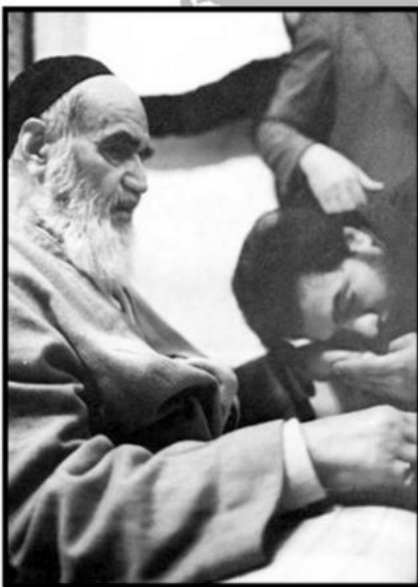
اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می‌خورد. مثلاً مشکلات اقتصادی کشور، ناشی از عوامل مختلفی است که دآوری در موفقیت نظام اسلامی، بسته به بررسی آنهاست. توضیح آنکه: جمعیت کشور ایران پس از پیروزی انقلاب تاکنون دو برابر شده، قیمت کالاها در سطح جهان متناسب با تورم جهانی بالا رفته است، ولی قیمت نفت به عنوان مهمترین منبع در آمد نظام از سال ۵۷ تاکنون به کمتر از یک سوم تنزل یافته است. ضمن این که فرهنگ مصرف جامعه بسیار تغییر کرده و سطح توقعات، به نحو چشمگیری بالا رفته است. تحریم‌های اقتصادی، جنگ و ویرانی‌های بسیاری که تنها به جرم پایبندی به ارزش‌های اسلامی بر کشور ما تحمیل شد، حوادث طبیعی فراوان و... همه در پیدایش این مشکلات نقش دارد. ناهنجاری‌های فرهنگی نیز چنین است، بسیاری از دانشمندان اسلامی و مربیان دینی، پیش از انقلاب درگیر مبارزه و یا در بند رژیم طاغوت بودند و پس از انقلاب به علت نیاز شدید نظام، به کارهای اجرایی مشغول شدند. گروهی از ارزشمندانترین تربیت یافتگان مکتب اسلام نیز در حوادث آغازین انقلاب به دست خیانتکاران و دشمنان اسلام به شهادت رسیدند.

دشمنان دریافته‌اند قداستی که مردم برای رهبری ولایت امر قائلند، نظام و انقلاب را بیمه کرده است، از این رو تمام تلاش و همت خود را برای شکستن این قداست بکار گرفته‌اند

روزش را در جبهه‌ها بگذرانند و بهترین عزیزانش را در راه خدا فدا کنند؟ اکنون می‌توان فهمید که چرا دشمنان اسلام از ولی فقیه و مرجعیت قداست زدایی می‌کنند؟!

قداست، ضامن بقای نظام

تجربه نشان داده است مرجعیت و ولایت همواره مایه امید و شیعان در زمان غیبت بوده است. مرجعیت، پیوسته جامعه را از خطرات جدی رها نیده است. اکنون دشمنان اسلام، پس از مطالعات روانشناسانه، رمز وحدت امت و پایداری نظام اسلامی را بخوبی شناخته‌اند، آنها دریافته‌اند قداستی که مردم برای رهبری ولایت امر قائلند، نظام و انقلاب را بیمه کرده است، از این رو تمام تلاش و همت خود را برای شکستن این قداست بکار گرفته‌اند، تا چنین وانمود



کنند رهبر و مرجع در ردیف دیگر دولتمردان و یا حتی افراد عادی است. آنها چنین القا می‌کنند همان گونه که از وزیر، وکیل و یا یک شخصیت قضایی می‌توان انتقاد کرد می‌توان از ولی فقیه انتقاد کرد! البته ما نیز معتقد به جواز انتقاد از ولی فقیه هستیم، ولی با روش صحیحی که نشانه خیر خواهی و دلسوزی است. به هر حال زمانی که قداست رهبری شکسته شد، دیگر کسی امر او را مطاع نمی‌داند عمل کردن به دستورهای او را وظیفه شرعی نمی‌شمرد و کسی کشته شدن در این راه را شهادت نمی‌داند. در این هنگام است که دشمن به تمام اهدافش رسیده است، زیرا در مواقع بحرانی دیگر کسی وجود ندارد که با یک فتوا توطئه‌ها را خنثی کند و کشور را نجات دهد. کمی بیاندیشیم که شکستن این قداست به سود کیست؟ و القا کنندگان این شبهات در پی چه امری هستند؟!

پی نوشت:

۱. «انما ولیکن الله و رسوله والذین آمنوا یقیمون الصلاة و یؤتون الزکوة و هم را کعون» (مائده / ۵۵) سرپرست و ولی شما تنها خداست و رسول او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را بر مقصد از مؤمنان، حضرت علی (ع) است.
۲. این مطلب در آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) بیان شده است.
۳. مائده / ۳.
۴. کافی، ج ۲، ص ۱۲۵، روایت، ۵.
۵. قرآن کریم سوره احزاب / ۵۶.
۶. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲۶، باب ۱۰۰، روایت ۲۵.

از این رو در اسلام اولین مرتبه قداست برای خدای تبارک و تعالی است و در مراتب بعدی هر کس به او نزدیکتر و دارای ارتباط بیشتر با اوست. پروردگار به دلیل هستی مطلق، کمال مطلق و... از برتری بی نظیری برخوردار است و طبیعی است از همه محبوبتر و دارای ارتباط بیشتر با اوست. در مرتبه بعدی، پیامبر اکرم (ص) به دلیل بیشترین ارتباط با خداوند دارای تقدس و احترام بیشتری است، تا آنجا که خداوند و فرشتگانش بر او درود می‌فرستند و از مؤمنان نیز می‌خواهند تا درود بفرستند. (۵) و شرع مقدس گذاردن دست بدون وضو را بر نام آن حضرت حرام می‌داند.

این قداست پس از خداوند، به پیامبر و جانشینان او یعنی امام معصوم (ع) که از طرف خدا منصوب شده‌اند - گسترش می‌یابد. بوسیدن ضریح امامان (ع) و زیارت حرم به آنان منتسب اند، مانند سادات و مراجع و علمای دینی سرایت می‌کند. با این که بوسیدن دست و تواضع بیش از اندازه برای غیر خدا در اسلام نکوهش گردیده، ولی مواردی استثناء شده است، از جمله: «انه من ارید به رسول الله» (۶) کسی که به جهت انتساب به پیامبر دستش را بپوسند. یعنی این شخص از چنان عظمتی برخوردار است که به جای پیامبر (ص) دست او را می‌پوسند. ولی فقیه گرچه معصوم نیست، ولی به دلیل انتسابش به امام معصوم (ع) و جانشینی وی مراتبی از همان قداست را داراست. آیا می‌شود کسی خدا را دوست بدارد، ولی پیامبرش را دوست ندارد؟! آیا می‌شود کسی خدا را دوست بدارد ولی به جانشینان او (امامان) علاقه نداشته باشد؟! و آیا می‌توان امام معصوم را دوست داشت، ولی جانشین او را گرامی نداشت؟

قداست ولی فقیه و مرجع دینی چه تأثیری در جامعه دارد؟

کیان شیعه و حیات آن در زمان غیبت، با همین قداست حفظ شده است. مردم در طول تاریخ برای مراجع خود احترام خاصی قائل بوده‌اند. دشمنان نیز همواره از این قداست در هراس بوده‌اند، به طوری که همیشه از حکم جهاد مرجع دینی می‌ترسیده‌اند. باید دید که حکم جهاد یک مرجع پیر چه تأثیری در جامعه دارد. از آن رو که ولی فقیه از قداست ویژه‌ای برخوردار است و مردم او را نایب امام زمان می‌دانند، حاضرند همگی جان و مال و هستی خود را فدا کنند. فتوای تاریخی میرزای یزید در تحریم تنباکو، استعمار پیر انگلستان را شکست داد و کشور ایران را از بحران رهایی بخشید.

در عصر حاضر نیز همگی شاهد بودیم که چگونه امام خمینی (ره) انقلابی را رهبری کرد که حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را ریشه کن ساخت و به جای آن جمهوری اسلامی را برقرار کرد. اگر قداست مرجعیت نبود، چه کسی حاضر بود خود را آماجگاه گلوله‌های دژخیمان شاه قرار دهد؟! اگر مردم حکم امام را حکم خدا و امام زمان نمی‌دانستند، چه کسی حاضر بود از لذتهای دنیا دست شسته و شب و